

نوای عشق را ساز است آدم
جهان او آفرید این خوبتر ساخت

کشاید راز و خود راز است آدم
مگر با ایزد انباز است آدم
محمد اقبال لاهوری



همه برای پیشرفت معارف بدخشان !

دکتر نور علی دوست

۱۱ سرطان ۱۳۹۱

کانون تعلیم و تربیه در طول تاریخ جوامع انسانی باگذشتانیدن ادوار گوناگون تاریخی، مراحل تکامل پُر فراز و نشیب خود را در وجود اسما، صفات و عناوین پرمفهومی نذیر: معارف، عرفان، حکمت و فلسفه، دانش، دانش آموز، علم، معلم، متعلم، آموزگار، شاگرد، استاد، محصل، پرورشگاه، دبستان، مدرسه، درس، مکتب، آموزشگاه، دانشکده، دانشگاه، اکادمی علوم، ادارات و ارگانهای رهبری کننده نهادها و مراکز آموزش و پرورش (تعلیم و تربیه) و نظایر اینها به حیث مآخذ و منابع وسیلوی تعلیم و تربیه، برنامه های تعلیمی و تربیوی را به قدر توان و امکانات شرایط زمان تهیه، ترتیب و تنظیم نموده نسل های انسانی را از طفلی تا تکمیل مراحل تحصیلات پا به پای پیشرفت علوم و تخصص، آموزش و پرورش داده به حیث اعضای تعلیم یافته، سالم، مفید و کاردان به جامعه انسانی تقدیم و امروز این همه دستاورد های عظیم علمی و پیشرفت های پر ثمر علم و تکنالوژی که مبین اقتدار مادی و معنوی انسان در شناخت پیچیده ترین قوانین طبیعی و بهره گیری ازین قوانین در جهت معرفت هر چه بهتر قانونمندی های هستی و استفاده ازین دستاورد ه ها در جهت تأمین رفاه و سهولت های زندگی انسان که با آغاز زندگی اولیه بشر و شناخت آن از طبیعت قابل مقایسه نیست محصول زحمات پر ثمر و افتخار آفرین این دستگاه عظیم و با اهمیت فرهنگی و کانون پرورش دهنده انسان در دنیای جامعه انسانیت . مسلم

است که اوج پیشرفت های مادی و معنوی هر ملت نشاندهنده پیشرفت تعلیم و تربیه آن ملت بوده هیچ ملتی نمیتواند بدون معارف سالم و پیشرفته به شاهراه ترقی و تمدن جهان معاصر دست یابد. در یک کلام گفته میتوانیم که کانون تعلیم و تربیه نور معرفت نیست که جامعه را به سوی تمدن و پیشرفت که شایسته مقام جامعه انسانیست هدایت و آنرا به اوج کمال رهنمون میسازد. به قول کنفوسیوس (هرگز بر تاریکی لعنت نفرستید خود شمع بیفروزید...) به یقین نمیتوان به سادگی خود را از شر جهالت و عقب ماندگی صرف به لعنت گوئی و شکوه نجات داد. غلبه بر پدیده شوم عقب ماندگی و جهالت در گرو قدرت خردمندانه تعلیم و تربیه با شرایط زمان است که نیاز مند همکاری های مستقیم فرد فرد جامعه و اداره هوشمند، با تدبیر و سالم میباشد.

در تاریخ کهن سرزمین عزیز ما (بخشی از آریانای گذشته) خراسان دیروز و افغانستان امروز نوعی نظام تعلیمی و تربیوی با تدریس علوم مختلفه و فلسفه با بیشترین برنامه های تعلیمات مضامین و موضوعات دینی به شیوه انتظام مدرسوی آنزمان که عمومی نبوده و غالباً فرزندان بزرگزاده گان، اغنیا و جوانان با استعداد و مشتاق به فراگیری علوم آنزمان را در برمیگرفته بداخل مکاتب خانگی، مساجد و مدارس صورت میپذیرفته است. با وجود محدودیت های اسباب و لوازم مایحتاج تعلیمی و اساتید مسلکی، فضا و شرایط اختناق و تعصب غالباً مذهبی دوران های گذشته، سرزمین ما بزرگترین شخصیت های علمی، ادبی و فلسفی جهانشمولی به جامعه انسانی تقدیم نموده که مایه افتخار مردم ما میباشد. مرور به تاریخ این بخش از افتخارات ارزنده فرهنگی سرزمین ما بنا به اهمیت جایگاه آن در رشد و انکشاف فرهنگ این بخش از تمدن جهانی کاملاً ضرور بوده به بحث تحقیقی جداگانه نیاز دارد. ولی در خصوص سوابق تعلیم و تربیه با شیوه آموزش و پرورش به اصطلاح مدرن به روایت اسناد تأریخ معاصر افغانستان نخستین تهداب معارف به سبک ساختار مکتبی یا معارف رسمی امروزی که با شیوه آموزش و امور تدریس در مدارس دینی و مساجد تفاوت دارد در دوران شاهی امیر شیرعلی خان بطور ابتدائی و مختصر ایجاد گردید که بعداً در دوره سلطنت امیر حبیب الله بطور محدود ارتقا و در دوران شاه امیر امان الله ساختار اداری معارف در وجود وزارت معارف افغانستان با تشکیلات اداری و مدیریتی در سطح ولایات کشور آنزمان ایجاد شد و تا امروز فراز و نشیب زیادی را طی نموده اکنون بحیث بزرگترین نهاد دولتی از نگاه پرسونل و با اهمیت ترین ارگان از لحاظ

نقش فرهنگی و معنوی در جامعه افغانستان عرض وجود نموده است . باید گفت که مرور به پس منظر تاریخ معارف و همه ی حوادث و رویداد های تاریخی که بر سرنوشت معارف افغانستان اثر گذار و تحمیل گردیده مانند دیگر حوادث و جریانات تاریخی عبرت انگیز بوده درس های آموزنده بزرگی از نتیجه گیری های تحلیلی واقع بینانه و خردمندانه آن برای شگوفائی بهتر و آینده پربار معارف سرزمین افسانوی ما میشوند . البته تنها نقد کردن احوال گذشته و افسوس خوردن به گذشت روزگار امید به آینده مثمر این ارگان حیاتی جامعه را در چنین حالتی که از کاروان پیشرفته سطح تعلیمات جهانی عقب مانده ، این ارگان فوق العاده مهم ملی را به ساحل مقصود نمیرساند . ضرور است با احساس مسئولیت ، اقدامات کاری عملی و برنامه ریزی شده موافق به نورم های معاصر تعلیمی و تربیوی را روی دست گرفته جلو هر گونه نواقص برنامه ی ، ضعف کاری ، تخلفات و انحرافات که سد راه پیشرفت و ترقی و باعث آلوده ساختن دامن پر صفای معارف میشوند را گرفت که انجام و مقابله به آن در وضعیتی که موجود است نیازمند پشتیبانی بیدریغ مردم، اراده صادقانه و پولادین مسئولین رهبری کننده معارف و حاکمیت قانون در جامعه میباید . چنانچه محتوی تکانهنده **گزارش ولایتی روز نامه ۸ صبح یکشنبه 20 حمل 1391 ساعت 09:39 به قلم محترم سیحون - فیض آباد تحت عنوان " رییس معارف بدخشان : اگر اصلاحات بیاورم کشته می شوم "** نشان میدهد که معارف بدخشان در چه تنگنا و مشکلاتی قرار گرفته که باعث ناکار آئی سیستم کاری و سبب از دست دادن فرصت های تعلیمی و تربیوی که نسل جوان و جامعه این ولایت نیازمند آنند ، شده است . اینک قسمت هائی ازین گزارش را با سپاس از تهیه کننده و اظهارات جسورانه ، روشن و صادقانه دست اندر کاران معارف که در واقعیت امر ، جزئی محدودی از رفع مسئولیت شان است مجدداً قابل تأمل است !

میر عبدالرحمان، رییس معارف بدخشان، می گوید: " آن قدر در کارهای ریاست معارف مداخله صورت می گیرد که از زنگ زدن واسطه ها دل زده شده ام و در برابر این مداخله ها ناتوان هستم."

وی می گوید از مردم عادی گرفته تا بلندترین مقام دولتی، در کار ریاست معارف مداخله می کنند و همین امر سبب شده است که وضع معارف روز تا روز خراب شود .

اعضای کمیته ی حمایت از معارف در ولایت بدخشان نیز می گویند که علاوه بر نبود استادان مسلکی و کمبود آموزگاران، مداخله افراد زورمند در کار ریاست

معارف سبب شده است تا معارف این ولایت به مشکل‌های بزرگی دست و گریبان باشد.

کمیته حمایت از معارف در میانه سال 1390 و به هدف رسیدگی به بی‌کیفیتی و پایین بودن سطح سواد و غیرقابل قبول بودن نتیجه کانکور ایجاد شد. مسوولان این کمیته نیز از مداخله افراد و اشخاص در کارهای معارف شکایت دارند.

داکتر ظاهر فاضل، رییس کمیته حمایت از معارف که در نشست‌های به منظور بررسی مشکل‌های معارف بدخشان سخن می‌راند، گفت: "عوامل زیادی در عقب‌افتادگی معارف این ولایت تاثیر گذاشته است که از آن جمله می‌توان از مداخله افراد و اشخاص در مقرری‌های کارمندان و آموزگاران در کنار کمبود آموزگاران مسلکی، عدم تطبیق پلان درسی، بی‌توجهی اولیای شاگردان نسبت به فرزندان‌شان و عدم مدیریت درست در مکتب‌ها نام برد."

وی گفت: "این کمیته، به صورت رضاکارانه، توسط نخبگان بدخشان ایجاد شده است و برای بهبود تعلیم و تربیه کار می‌کند که علاوه از برنامه‌های بهبودی برای معارف، بعد از دریافت چالش‌ها و راه حل‌ها آن را به ریاست معارف جهت اجراات پیش‌کش می‌کند."

آقای فاضل، با وجودی که از هیچ مرجع نام نمی‌برد، می‌گوید تازمانی که دست مداخله‌گران از مقرری‌ها در معارف کوتاه نشود، امید به آینده معارف نمی‌توان داشت و با این مداخله‌ها، در حال حاضر مقابله کردن دشوار است؛ چراکه از معلم گرفته تا یک ملازم در دورترین نقطه بدخشان مداخله صورت می‌گیرد.

شماری آموزگاران که در نشست بررسی مشکلات معارف گردهم آمده بودند، ریاست معارف را به بی‌توجهی در جهت استخدام آموزگاران و کارمندان مکتب‌ها متهم می‌کنند.

مرضیه، یکتن از این آموزگاران، گفت: "در مکتبی که من تدریس می‌کنم، یک مکتب خانوادگی است، از مدیر گرفته تا ملازم، بچه خاله، دختر کاکا و نواسه ماما و... هستند."

به گفته او، ریاست معارف باید به این مشکل رسیدگی کند و نگذارد که مکتب‌ها در اختیار خانواده‌ها باشند و باید برای بهبود وضع آموزش و پرورش، معیار استخدام آموزگاران لیاقت، شایستگی، درک، فهم و مسلکی بودن‌شان باشد، نه خویشاوندی و واسطه داری.

با این حال، مقام‌ها در ریاست معارف بدخشان از مداخله و بی‌عدالتی داد می‌زنند و می‌گویند که در برابر مداخله‌ها ناتوان هستند.

میر عبدالرحمان، رییس معارف بدخشان، می‌گوید: "علت اساسی بی‌کیفیتی در معارف بدخشان، نبود استادان مسلکی و کاردان است که تاهنوز نتوانسته‌ایم مکاتب را از آموزگاران مسلکی خودکفا بسازیم، بنا وقتی که معلم تاریخ، به جای معلم ریاضی در مکتب‌ها مقرر شد، وضعیت معارف خودبه‌خود خراب می‌شود. به گفته او، تا زمانی که مداخله گران از مداخله شان دست بردارد نشوند و مردم با او همکاری نکنند، در برابر این هجوم مداخله‌ها، کاری از دست او ساخته نیست. او از بزرگان بدخشان خواست که باید برای بهبود وضع معارف بدخشان با او همکاری کنند، چراکه او تصمیم دارد، تا برای بهبود کیفیت معارف بدخشان تلاش کند.

رییس معارف بدخشان، از استخدام معلمان بی‌سواد که با اسناد جعلی در مکتب‌ها استخدام شده‌اند نیز، شکایت دارد و بیان می‌کند که او افرادی را سراغ دارد که مکتب نخوانده‌اند، اما از موسسات تربیه معلم، اسناد چهارده پاس تقلبی دارند و هم چنان فردی را می‌شناسد که تا صنف شش مکتب خوانده است و فعلاً سند فراغت دوازده به دست دارد.

این مقام ریاست معارف خاطر نشان می‌سازد از تمام بی‌عدالتی‌هایی که در معارف وجود دارد، آگاه است، **اما اگر برای تغییر این وضعیت تلاش کند، کشته می‌شود.** ختم

با این توضیحات و اظهار نظر مقام مسئول معارف ولایت بدخشان که بدون شک خود از جمله استادان با تجربه و دارای سوابق کاری در معارف است توأم با اعضای محترم کمیته‌ی حمایت از معارف در ولایت بدخشان که قرار معلوم از نخبه گان با احساس و با تجربه اهل معارف این دیار بطور داوطلبانه همکاری مینمایند، نمیتوان به آینده بهتر و روشن معارف درین ولایت امید وار بود. چنانچه تأثیرات منفی و نامطلوب این وضعیت تحمیل شده بر معارف ولایت بدخشان در نتایج امتحانات کانکور سال (۱۳۹۰ - ۹۱) بطور واضح خود را آشکار ساخته است. **ولی روشن است برای کسانی که عاملین ایجاد چنین شرایط اند، نتایج اسف بار امتحانات کانکور شاگردان اکثر مکاتب بدخشان بی اثر و بی اهمیت میباشد.** برای آنکه بطور مستند از وضعیت کنونی معارف بدخشان و بحرانی که اکثریت عظیم مکاتب آنرا تحدید مینماید نتایج امتحانات کانکور سال (۱۳۹۰ - ۹۱) را در سطح کشور به بمقایسه نتایج شاگردان مکاتب ولایت بدخشان به بررسی می‌گیریم تا روشن شود که سطح تعلیمی و توانمندی آمادگی شاگردان مکاتب ولایت بدخشان در

کدام کتہ گوری قرار دارد و از جانبی مطالعه حالت و وضعیت موجود یکہ معارف بدخشان در آن قرار دارد هوشدار میدہد کہ مردم و دست اندر کاران معارف برای برون رفت ازین بحران کہ آیندہ را بہتر ازین نمیسازد با احساس مسئولیت باید خود را آمادہ سازند :

قرار جدول اعلان شدہ نتایج نمرات کانکور ۱۳۹۰ - ۹۱ وزارت تحصیلات عالی بلند ترین نمرہ امتحان کانکور این سال (نمرہ ۳۲۱) را شاگردی از مکتب سلطان علاوالدین غوری ولایت بلخ و (نمرہ ۳۲۰) را شاگردی از مکتب عبدالرحیم شہید ولایت کابل و (نمرہ ۳۱۸) را ۹ نفر از شاگردان مکاتب کابل شامل (۵ شاگرد از مکتب عبدالرحیم شہید ، ۲ شاگرد از مکتب خصوصی معرفت ، یک شاگرد از مکتب لامعہ شہید ، یک شاگرد از مکتب عبدالہادی داوی) ۲ شاگرد از مکتب برون مرز (پاکستان) و ۴ شاگرد از مکاتب ولایت بلخ شامل ۲ شاگرد از مکتب بی بی زینب ، یک شاگرد از مکتب سلطان غیاث الدین و یک شاگرد از مکتب باختر) و ۳ شاگرد از مکتب ذکور افغان ترک ولایت ہرات میباشند. شاگردان مکاتب ذکر شدہ از لحاظ داشتن بلند ترین نمرات امتحان کانکور در حقیقت شاگردان ممتاز کشور و موجب افتخار اند . باید گفت کہ نمرہ ۳۱۷ نتایج امتحان کانکور نیز در در انحصار شاگردان مکاتب ولایات کابل ، بلخ و ہرات بودہ است و از نمرہ ۳۱۶ ببعد شاگردان مکاتب ولایات دیگر کشور شامل امتیاز شدہ اند کہ بہ اساس بلند ترین امتیاز نتایج حاصلہ ، نمرات شاگردان کتہ گوری اول این ولایات را ، بالترتیب بہ معرفی میگیریم :

بلند ترین نمرہ کامیابی نتایج کانکور شاگرد ولایت جوزجان (۳۱۶) ، ولایت خوست (۳۱۵) ، ولایت سمنگان (۳۱۴) ، ولایت تخار (۳۱۲) ، ولایت ننگرہار (۳۱۱) ، ولایت میدان وردک (۳۱۱) ، ولایت لغمان (۳۱۰) ، ولایت بغلان (۳۱۰) ، ولایت غزنی (۳۱۰) ، ولایت پروان (۳۰۸) ، ولایت کندز (۳۰۷) ، ولایت فاریاب (۳۰۷) ، ولایت پکتیا (۳۰۷) ، ولایت کاپیسا (۳۰۷) ، ولایت غور (۳۰۷) ، ولایت دایکندی (۳۰۷) ، ولایت بادغیس (۳۰۶) ، ولایت فراه (۳۰۵) ، ولایت پنجشیر (۳۰۴) ، ولایت لوگر (۳۰۳) ، ولایت سرپل (۳۰۳) و ولایت بدخشان با دیگر ولایات باقیماندہ کشور بعد از نتیجہ حاصلہ نمرہ (۳۰۲) کانکور بہ امتیاز شاگردان ممتاز مکتب سایف و مکتب مخفی کہ مایہ افتخار مردم بدخشان اند شامل صفحہ رقابتی میشوند . ضمن قدر دانی از زحمات استادان ، ادارات و شاگردان این مکاتب کہ قابل تمجیدند در مجموع چطوریکہ ملاحظہ میشود نتیجہ حاصلہ شاگردان مکاتب ما درین رقابت

سالم با شاگردان مکاتب ولایات کشور در جایگاه مناسب و در خور شأن سرزمین فرهنگی بدخشان، قرار نگرفته مردم معارف پرور بدخشان ضمن نگرانی به آینده، انتظار و امید چنین نتایج و موفقی را برای معارف خود در سطح کشور نداشتند.

جهت ارزیابی بهتر لازم است نمرات ممتاز نتایج حاصله کانکور گذشته آنده از مکاتب ولایت بدخشان را که موفق به اخذ نمره متوسط (بین نمرات ۳۰۲ - نمره ۲۷۰) که تاحدودی مناسب حال شرایط شمولیت در مراکز تحصیلات عالی و مسلکی شده اند به مقایسه و به معرفی گیریم:

بلند ترین نمره حاصله نتایج کانکور شاگردان ممتاز مکاتب در سطح ولایت بدخشان از شاگرد ممتاز مکتب سایف (۳۰۲)، مخفی (۳۰۲)، کوچه (۲۹۹)، غیائی (۲۹۸)، شمس الحق (۲۹۷)، سید احمد مشتاق (۲۹۷)، خردمند (۲۹۶)، و خشی (۲۹۶)، تجربوی ذکور الجهاد (۲۹۳)، ندیمی (۲۹۳)، نسوان نمبر یک (۲۹۲)، ذکور محمودان (۲۹۲) خمچان (۲۹۱)، نسوان نمبر دوم (۲۹۱)، مخزون بلوچ (۲۸۹)، نسوان بنات المسلمین (۲۸۹)، معروف (۲۸۷)، نجیب الله (۲۸۶)، میر فضل الله (۲۸۴)، عارفان (۲۸۴)، نسوان مشهد (۲۸۴)، آی بیخواه (۲۸۳)، شورابک (۲۸۳)، فرمانقلی (۲۸۳)، خالد بن ولید (۲۸۳)، ابو طلحه (۲۸۳)، تجربوی ترگنی (۲۸۳)، چارمغز دره (۲۸۳)، حمیدی (۲۸۱)، باغمبارک (۲۸۱)، نسوان ده کلان (۲۸۱)، نسوان شورابک (۲۸۱)، ایتارچی (۲۸۰)، رحمت شغنان (۲۸۰)، ذکور نیمتله (۲۷۹)، صمدی ارگو (۲۷۹)، نسی (۲۷۷)، ذکور ده شهرشغنان (۲۷۶)، ذکور ده کلان (۲۷۵)، ثابت (۲۷۵)، زین الدین (۲۷۴)، سید عبدالکریم حسینی (۲۷۴)، غلام محمد خرنداب (۲۷۳)، میر محمد هاشم (۲۷۳)، چته (۲۷۳)، فایض (۲۷۲)، ذکور دره جیم (۲۷۲)، جر شابابا (۲۷۰)، که جمعاً (۴۸) باب مکتب میشوند که از جمله (۲۲۵) باب لیسه پسرانه و (۹۴) باب لیسه دخترانه که مجموعاً (۳۱۹) باب مکتب میشوند به این نتایج دست یافته اند. **که بدینصورت در نتایج کانکور گذشته (سال ۱۳۹۰-۹۱) شاگردان متأسفانه (۲۷۱) باب مکتب ولایت بدخشان موفق بدریافت نمره مناسب کانکور که چانس بهتر شمولیت در دانشکده های فنی و مسلکی دارد، نشده اند.** هرگاه مجموع تعداد شاگردان موفق این کته گوری از نمرات فوق الذکر را به تفکیک مکاتب بررسی نمائیم تعدادشاگردان موفق درین کته گوری از مکتب سایف (۹۹ شاگرد)، مکتب

کوکچه (۳۱ شاگرد)، مکتب مخفی (۱۸ شاگرد)، مکتب نسوان نمبر یک (۱۸ شاگرد)، مکتب غیائی (۱۷ شاگرد)، مکتب خردمند (۱۶ شاگرد)، مکتب خمچان (۸ شاگرد)، مکتب نسوان نمبر ۲ و مکتب معروف (هر کدام ۵ شاگرد)، مکتب چته ، مکتب آی بیخواه و مکتب میر فضل الله (هر کدام ۴ شاگرد)، مکتب سید احمد مشتاق ، مکتب خالد بن ولید ، مکتب سید عبدالکریم حسینی ، مکتب چارمغز دره ، مکتب ذکور ده کلان، و مکتب شمس الحق (هر کدام ۳ شاگرد)، مکتب جر شا بابا ، مکتب آرینیپور ، مکتب فرمانقلی ، مکتب غلام محمد خرنداب ، مکتب ندیمی ، مکتب وحشی ، مکتب ذکور الجهاد ، مکتب ایتارچی ، مکتب رحمت شغنان ، مکتب نسوان شورابک ، مکتب ذکور ده شهر شغنان ، مکتب ذکور محمودان ، مکتب تجربوی ترگنی ، مکتب ابوظلحه ، مکتب نسوان مشهد ، مکتب نسی و مکتب ثابت (هر کدام ۲ شاگرد) و مکتب صمدی ارگو ، مکتب نسوان بنات المسلمین ، مکتب ذکور دره جیم ، مکتب میر محمد هاشم خرنداب ، مکتب زین الدین ، مکتب محزون بلوچ ، مکتب نجیب الله، مکتب عارفان ، مکتب ذکور شورابک ، مکتب نسوان ده کلان ، مکتب باغ مبارک ، مکتب حمیدی و مکتب ذکور نیمتله (هر کدام ۱ شاگرد) . باید گفت که درخشش شاگردان مکتب سایف در میان مکاتب ولایت بدخشان از لحاظ کمی و کیفی نتایج نمرات کانکور ۱۳۹۰-۹۱ مایه افتخار استادان و اداره این مکتب ، معارف و مردم بدخشان است . همچنان مکتب کوکچه در ردیف دوم و مکاتب مخفی ، نسوان نمبر ۱ ، غیائی و خردمند در ردیف سوم مکاتبی اند که شاگردان شان در سطح معارف بدخشان در نتایج کانکور سال ۱۳۹۰-۹۱ موفقیت های بهتر و بیشتر کمائی نموده اند و زحمات استادان و ادارات این مکاتب درین زمینه از نظر اینجانب با احترام به نظریات و قضاوت هموطنانم ، امید وار کننده ، قابل تمجید و قدر دانی میباشد . و برای بقیه مکاتب ولایت بدخشان آرزوی موفقیت های هر چه بیشتر مینمائیم .

با وجود این همه آرزو ها و توقعات این واقعیت را نادیده گرفته نمیتوانیم که امروز با گذشت قریب چهار دهه جنگ و ویرانی که بیشترین آفت آن به همه زیر بنا های معارف رسید ، ریاست تعلیم و تربیه بدخشان با تأسیس و فعال نمودن مکاتب جدید بر روی خاکستر و ویرانی های اکثر مکاتب به آتش کشیده شده ، سراسر قراء و قصبات این ولایت را تحت پوشش تعلیم و تربیه قرار داده دروازه های مکاتب را بر روی اطفال و جوانان (اعم از پسر و دختر) باز نموده است .

مزید بر آن طوریکه معلوم است اکثریت این مکاتب در ساحاتی قرار دارند که هنوز افراد مسلح زورمند حاکمیت داشته مطابق طرز دید تعصب آلود با تعبیر های نادرست از دین در امورات اداره و تدریس مکاتب مداخله مینمایند . در تعدادی از مکاتب افراد غیر مسلکی و ملا های با سواد با تهیه اسناد تحصیلی جعلی که خود رئیس محترم معارف بدخشان به آن اشاره نمودند به حمایه افراد زور مند به حیث معلمین اجرای وظیفه مینمایند . این اشخاص از روی تعصب به معلمین مسلکی مخصوصاً معلمین نسبتاً جوان اجازه نمیدهند تا برای دختران مکاتب آموزش مضامین مسلکی دهند . معلمین خارج از محل را تهدید نموده و ادار به ترک وظیفه مینمایند . علاوه برین عقب ماندگی اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی مردم ما سبب میشود تا به اهمیت معارف و سرنوشت آینده فرزندان شان توجه ننموده دیده نا دانسته به این وضع تن دهند . نا بخشودنی تر از آن تعدادی از دشمنان معارف در لباس مُلای دین تحت عنوان گویا مکاتب اولاد های شما را از دین خارج و به بیراهه میکشاند بر ضد معارف تبلیغات سوء نموده مردم بیسواد را نسبت به مکاتب بد بین میسازند . علاوه بر آن در تعدادی از ریاست ها و مدیریت های معارف ولسوالی ها و محلات امراض افکار سیاسی برفضای کاری تعلیم و تربیه در وجود دبیران و حتا استادان اثر انداخته به جای توجه به مسئولیت های اساسی وظیفوی ، رقابت های منفی سیاسی بر محراق انجام وظایف شان اثر گذار شده باعث کشمکش ها و اخلال برنامه های تعلیمی و تربیوی میشوند . رئیسان دارای جهت گیری سیاسی معمولاً سعی مینماید تا تمام مدیران تحت ساحه کاری شان را از دوستان هم فکر و هم اندیشه سیاسی خود بر گزیند و مدیران و بالآخره سر معلمان وابسته نیز به نوبه شان تلاش مینمایند تا دوستان هم نظر ، خویش واقارب نزدیک خود را در ساحه کاری خود به خاطر ایجاد فضای مصئون کاری و استفاده جوئی ها برگزینند . ازینکه در بسیاری از محلات ، معلمی یگانه شغل کم درآمد ولی با معاش است این تغیر و تبدیل سبب آشفتگی و هرج و مرج میشود . معلمین تبدیل شده و ناراض در پی جستجوی واسطه و وسیله منجمله رشوه میشوند و سعی مینمایند تا برای بدست آوردن وظیفه ، خود را به آب و آتش بزنند . و با این وضع بوجود آمده متأسفانه دروازه بازار فساد بر روی معارف خواسته یا ناخواسته باز میشود . در بعضی جا ها دیده شده که رئیسان و مدیران معارف از معلمین و حتا از ملازمین تحت حمایه برای بقای شغلی شان جهت تادیه رشوه ، پول جمع آوری مینمایند که این کار مایه ننگ این گونه افراد در دامن معارف و سبب شرم نفرت بار برای سازمان سیاسی میشود که چنین اشخاص فرومایه به عضویت آن پیوسته ، به

خاطر بقای شغلی خود در یک پست معنوی و پرمسئولیت همه مسئولیت های ایمانی ، وجدانی ، فرهنگی ، ملی و سیاسی خود را فراموش کرده به جای رقابت کاری در جهت رشد و انکشاف کمی و کیفی معارف منحصیث عنصر به اصطلاح انقلابی ، دامن تابناک معارف را لکه دار میسازند . هرگاه این چنین سازمانها با موجودیت این نوع انسانها در صفوف شان با همچو پالیسی هائی به مسئولیت های سنگین تر ازین گماشته شوند آینده آن با چنین اعمال ترویج کننده فساد اداری و ضد اخلاق سیاسی نابخشودنی و بدتر از ان خواهد بود . علاوه برین به قول محترمه جناب معلمه صاحبه مرضیه که قبلاً به خوانش گرفته شد (مدیرانی هستند که با تقرر اعضای خانواده و اقارب نزدیک شان مکاتب را اشغال و شخصی نموده مطابق برنامه ها و تمنیات خود اداره مینمایند) مشکل اینگونه اشخاص صرف چگونگی تطمیع قدمه های بلند اداری و مفتشین با توصل به هر نیرنگ و معامله ئیکه برای حفظ وظیفه شان لازم است ، میباشد . اینگونه اشخاص نیز غالباً تحت حمایه زور مندان و وسیله های ضمنی منجمله رشوه متوصل شده به وظیفه خود ادامه میدهند . اجازه دهید بخشی از نظریات گذارش گونه یکی از اهل معارف ولسوالی شغنان که ذکر نام خود را بنا به ملحوظاتی لازم ندانستند برای فهمیدن وضعیت معارف ایندیار تقدیم نمایم :

(با وجود تغییرات و تبدلات در کادر رهبری ریاست تعلیم و تر بیه ولایت بدخشان فساد، سوء استفاده از مقام و تمایلات حزبی و تنظیمی کاهش نیافته و از پستهای کلیدی معارف بیزنسهای رنگا رنگ صورت میگیرد. متضرر ترین و آسیب پذیر ترین کتله درین پروسه جوانان معارف اعم از پسران و دختران اند که نصاب تعلیمی بر آنان به نسبت کمبود معلمین شایسته و مسلکی و عدم ثبات معلمین تطبیق نمیشود و جوانان معارف از آموزش سیستماتیک محروم و در امتحان کانکور یا بی نتیجه یا در موسسات تعلیمی غیر خواست خود گویا کامیاب میشوند. ما لیسه های سراغ داریم که حتی یک نفر هم به موسسات عالی کامیاب نه شده است. نتایج کانکور سال 90/1389 شاهد این مدعاست.

جوانان تازه فارغ از موسسات عالی ولایت وسایر ولایات به آسانی در مکاتب توظیف نمیشوند به خاطریکه یا حق مسئولین معارف را تادیه نمی توانند یا در تنظیم آنها ثبت نیستند. تعداد زیاد فارغان دانشگاهها یا به صفت گارد در پایه های مخابراتی یا به صفت چوکی دار در موسسات و در بدترین حالت خارج از مسلک معلمی ایفای وظیفه مینمایند، درحالیکه صدها معلم قرار دادی که توان تدریس مضامین را در هیچ صنف ندارند و شایسته همین وظیفه نیستند مکاتب را خصوصاً

در ولسوالی های راغستان، خواهان دروازها، درایم، تیشکان ویمگان و دیگر جاها اشغال نموده اند. شایعات وجود دارد که این کته گوری معلمین به مسؤلین معارف بدخشان باج میدهند تا به هیچ صورت با جوانان تحصیل کرده مسلکی تعویض نشوند و اولاد مردم از نعمت علم و سواد در مقایسه سایر جاها بی بهره باقی مانند آنها هراس دارند اگر جوانان این مناطق با علوم عصری مجهز شوند موقف دروغین آنها در بین مردم عقب نگهداشته شده تنزیل گردد.

بی ثباتی معلمین و مدیر گردشی در ولسوالی شغنان بلای دیگری است که بالای مکاتب آنجا فرود آمده است، رقابت های منفی منسوبین معارف این ولسوالی آنها به ارتباط جناحای سیاسی یا سلیقوی و سوء استفاده حلقات معین مقامات معارف ازین وضع بحران معارف آنجا بیش از پیش تعمیق میگردد و تشنج ناشی از آن دامن همه بخشهای اجتماعی را فرا میگردد و در نتیجه باعث سقوط سوئیة تعلیمی میگردد که خساره معنوی آن جبران نا پذیر خواهد بود و مسؤلیت آن بدوش عناصر نا عاقبت اندیش و جاه طلب است که این وضع را خلق کرده اند. ادامه این وضع یقیناً پروسه آغاز شده اتحاد و همبستگی شغنانی هارا مختل و خدشه دار خواهد ساخت. تعداد زیاد منسوبین معارف شغنان امتحان رقابتی را یک نیرنگ و سازمان یافته از قبل میدانند که موجب نارضایتی تعدادی از کادرهای معارف آنجا شده است. آنها ادعا دارند که اشخاص کم سوئیة و بی تجربه متعلق به یک سازمان جای اشخاص با تجربه و با کیفیت را در نتیجه سپری شدن امتحان تقلبی گرفته اند، اگر ادعای آنها به حقیقت نزدیک باشد برای حل عادلانه این موضوع بایست هیئات مستقل از مرکزوزارت معارف تعیین گردد و دوباره امتحان شفاف اخذ نماید تا قناعت ناراضی ها فراهم شود.) ختم

اکنون تا حدودی به اوضاع بحرانی که به نظر م معارف ولایت بدخشان را احتوا نموده بطور عمومی آشنا شدیم برای همه اهل معارف و مردم معارف پرور این خطه باستانی ضرور است تا دست بدست هم داده برای بهبود و اصلاح بهتر معارف از دست اندر کاران صدیق این ارگان حیاتی پشتیبانی همه جانبه نموده در برابر انحرافات و امراضی که باعث انحراف رشد و انکشاف معارف از مسیر حقیقی آن میشوند مبارزه بی امان نمایند و اجازه ندهند مثنی از افراد بی مسؤلیت و بی معرفت به حیات و سرنوشت فرزندان مظلوم این سرزمین بازی نمایند.

انضمام این یادداشت همچون وجیبه در برابر معارف پیشنهاداتی را علی قدر توان فهم و تجربه ام به مقصد بهبود امور معارف بدخشان با احترام به نظریات

و عملکرد اساتید معظم و محترم آنجا که در شرایط بسیار دشوار با قبول رنج و زحمات فراوان وظایف مقدس تعلیم و تربیه را برای نسل آینده ساز این مرز و بوم به عهده دارند و به یقین بهتر و بیشتر از همه دلسوز به مردم و میهن خود اند تقدیم نمایم و از همه اهل معارف و معارف دوستان ، اهل خبره احترامانه و صمیمانه تقاضا مینمایم تا نظریات تکمیلی شان را پیرامون چگونگی رشد و انکشاف معارف در بدخشان ارائه بفرمایند .

۱ - ایجاد مدیریت واحد ، مصمم و سالم آموزشی با برنامه های درسی کامل و پیشرفته ، پرهیز از سیاسی سازی مقرری های پرمسئولیت و وظیفوی ، فراهم آوری شرایط مناسب برای جریان آموزش به انضمام توجه جدی به بررسی ها و ارزیابی های واقعبینانه صاحب نظران (کمیته حمایت از معارف) و مفتشین از کیفیت کاری تعلیم و تربیه در مکاتب ، بدون شک جریان آموزشی را همچون سیستم زنده کاری در مسیر درست آن قرار میدهند .

۲ - بوجود آوردن فضای همفکری و اعتماد سازی میان مدیریت ها ، معلمین و اولیای شاگردان از جمله راهکارهای مطمئن نظام آموزشی است . در شرایط موجود متأسفانه بسیاری از خانواده های جامعه ما بنا به عوامل گوناگون اجتماعی و فرهنگی ناشی از عقب ماندگی و مشکلات اقتصادی که زمینه ساز بروز انواع پروبلم های روحی و روانی خانواده ها و مخصوصاً جوانان میگردد به اهمیت تعلیم و تربیه مکتبی و آینده اولاد خود توجه جدی نمی نمایند . لازم است ادارات مکاتب ضمن تربیه جوانان با تدویر مجالس جمعی و انفرادی با پدران و مادران در جریان نیمه های سال تعلیمی ، برای بررسی های امور درسی ، اولیای شاگردان را متوجه توانائی های درسی فرزندان شان در چگونگی روند تدریس نموده ، از اهمیت تعلیم و تربیه و تأثیر مثبت آن در سرنوشت آینده اولاد شان آگاه سازند . بسار مفید خواهد بود که ریاست ها و مدیریت های مکاتب و معلمین بطور دلسوزانه و جدی همه اوضاع و احوال محیط آموزش و ماحول آنرا تحت مطالعه قرار داده با احتیاط و دقت تمام ، با همه ی عوامل ناخوشایند یکه سد راه پیشرفت جریان آموزش و پرورش میشود بی تفاوت نبوده راه حل به موقع و مناسب جستجو نمایند .

۳ - ایجاد فضای دلپذیر معنوی از طریق آراستن صحن مکاتب با فعالیت های فرهنگی ، هنری و ورزشی و تشویق شاگردان درین زمینه با ایجاد ماهنامه های دیواری معلوماتی و مطبوعات صنفی برای هر صنف به اشتراک فعال متعلمین و تشویق آنها به نویسندگی و شاعری ، ترتیب سیمنار های ادبی ، علمی و تجلیل از

جشن های ملی ، عنعنوی و مذهبی ، برگذاری محافل ادبی مخصوصاً بزرگداشت از یاد بود شخصیت های ادبی و اجتماعی ، ایجاد تیم های مختلف ورزشی و براه اندازی مسابقات ورزشی و ایجاد گروه های هنری نذیر : خطاطی ، رسامی و موسیقی ، دوزندگی و غیره زمینه هائی اند که استعداد جوانان را رشد و پرورش داده فضای مکتب را فرهنگی و شغف انگیز و دلگرمی جوانان را در آمدن به مکتب ، مخصوصاً در قراء و قصبات که جوانان و مردم این مناطق هیچگونه زمینه های سرگرمی ندارند افزایش میدهد .

۴- کمک های عملی و انتقال تجارب نحوه اصول تدریس معلمین با تجربه به معلمین جوان و تازه کار بمنظور آماده ساختن بهتر شان در امور تدریس نیز از جمله میتود های مثمیری برای جریان آموزش میباشد . انجام بهتر و ساده این کار علاوه بر تدویر سیمینار های علمی و رهنمودی ، مساعدت عملی نحوه تدریس و چگونگی پیشبرد ساعت درسی به معلمین جوان از طریق اشتراک دادن شان برای آشنائی با جریان درسی معلمین با تجربه و برعکس شرکت معلمین با تجربه برای بررسی غیر انضباطی معلمین جوان بمنظور رهنمائی نحوه تدریس در صورت ملاحظه نارسائی های مضمون و محتوی درس بطور دوستانه و رهنمودی ، کار بسیار آموزنده و مؤثر میباشد . هرگاه مسابقاتی بین معلمین در خصوص معرفی بهترین معلم سال از نگاه اصول تدریس و دسپلین پذیری در سطح مکاتب با تشکیل هیئت داوران متشکل از معلمین با تجربه دایر شود و معلم برگزیده سال تشویق مادی و معنوی شود ، خود زمینه تجربه اندوزی ، آماده شوی و تشویق معلمین در زمینه بهتر شدن کیفیت درسی میگردد . برای دست اندر کاران معارف ضرور است تا بیشتر تلاش نموده از روش های مناسب تر ، علمی و عملی برای بهتر شدن کیفیت درسی استفاده نمایند .

با احترام به تجارب کاری استادان محترم مقداری از تجاربم را به امید آنکه هر گاه ادارات معارف و معلمین عزیز و محترم ما آنرا سودمند بدانند همچون تکرار احسن به پیشگاه ادارات تازه کار و معلمین جوان و محترم تقدیم مینمایم :

(هر معلم قبل از ورود به صنف با آمادگی تام باید برنامه و پلان کامل درسی خود را مطابق به پلان درسی وزارت معارف پیش از پیش تهیه نموده ساعت درسی خود را دقیقه وار به آن تنظیم نماید . معاون مدیر در امور تدریسی و یا سر معلم مکتب باید از چنین آمادگی کنترول و اطمینان خاطر داشته باشد بطوریکه معلم با ورودش به صنف بعد از ادای سلام و علیکم و احوال پرسسی ، صنف را آماده

پذیرش خود ساخته ، مرور مختصری به درس گذشته نموده بطور امتحانی برای اطمینان خاطرش یکی دو شاگرد را از گوشه های صنف به قسمیکه همیشه به یکی دو شاگرد توجه نداشته باشد ، پرسان مینماید . علاوه بران از یکی دو کار خانگی نیز ملاحظه نموده ، کنترول بقیه کار خانگی های شاگردان را به دقایق آخرساعت درسی میگذارد . این کار رابطه درسی سبق گذشته معلم را با سبق جدید پیوند میدهد و بدینصورت با صرفه جوئی از وقت به طور طبیعی به درس جدید آغاز مینماید . باید گفت که معلم پیوسته سعی نماید تا رابطه میتود تدریس به شیوه شفائی و شیوه تحریری را با استفاده از تخته صنف با هم متعادل نگاه دارد ، در جریان تدریس به همه ی شاگردان مخصوصاً به شاگردان بازی گوش عطف توجه خود را داشته باشد . سعی نماید با شاگردان از راه محبت و دلسوزی در حد اعتدال رابطه برقرار نماید بطوریکه شاگردان احساس نمایند که معلم شان با احساس وظیفه شناسی میخواهد ایشانرا درس داده و شاگردان لایق بار بیاورد و همه ی تلاش معلم درین زمینه بدین مقصد است . بعد از ختم درس جدید ضرور است معلم یک بار دیگر از برداشت شاگردان نسبت به درس داده شده اش بررسی واز دو یا سه شاگرد بطور امتحانی از فهمیدن درس جدید بازپرسی نماید وقتی مطمئن شد که شاگردان تا حدودی به مفهوم ومحتوی درس جدید پی برده اند به شاگردان کار خانگی جدید سپاریده به کنترول کار خانگی روز گذشته به شیوه ئیکه هر شاگرد را نزد خود خواسته در مور چگونگی اجرای کارخانگی و اصلاح آن با وی تبصره و کمک مستقیم نماید و بقیه شاگردان را اول نمره صنف زیر نظر داشته در صورت بودن وقت ، درس جدید را تکرار نموده بطور نوبتی به شاگردان آموزش میدهد . بدینگونه ساعت درسی طوری تنظیم شود که معلم مطابق به آن با شاگردانش مصروف باشد و آخرین دقیقه با سفارش و تأکید بر اجرای کار خانگی آینده و با آرامش تام و انجام و ادای خدا حافظی بطوریکه شاگردان الا خارج شدن از دهلیز ها بصورت قطار بطور آرام حرکت نموده بدون سرو صدا مکتب را ترک نمایند .

۵ - انتخاب نگران یا رهبر برای هر صنف مکتب از با تجربه ترین معلمین همان مکتب بمنظور نظارت و واریسی شاگردان در امور تدریس ، نتایج ثمر بخش دارد . رهبر صنف بطور روزمره تمام کردار ، رفتار و جریان تعلیمی و تربیوی و پایبندی هر شاگرد صنف خود را در مکتب زیر نظر داشته با تدویر جلسات صنفی با شاگردان و جلسات با اولیای شاگردان در فرصت های معین و ضروری ، ایشان را به مسئولیت های شان متوجه میسازد . همچنان معلمین دیگر نیز باید در

صورت بروز مشکل درسی و یا هر حرکت منفی شاگردان ، رهبران صنوف شانرا در جریان بگذارند . رهبران صنوف سعی نمایند تا مشکل را بموقع از طریق خود و در صورت لزوم به کمک اداره و پدر و مادر و یا هر وارث دیگر شاگردان اصلاح نمایند .

۶ - ایجاد زمینه های برگذاری مجالس میان اداره ، و معلمین با پدران و مادران شاگردان بطور جمعی و برنامه ریزی شده نیز یکی از راهکار هائی است که روابط متقابل کانون خانوادگی را با مکتب تأمین و برفعالیت آموزشی شاگردان تأثیر مثبت میگذارد . اداره مکتب باید در هر دو نیمه سال تعلیمی یک ماه قبل از امتحانات از طریق رهبران صنفی و دیگر معلمین با پدر و مادر بطور پلان شده مجلس دایر نمایند . این مجلس در دنیای معارف معمول شده در همه جا بنام مجلس پدر و مادر یاد میشود . درین مجلس برای پدر و مادر راجع به چگونگی رفتار و کردار و مشکلات درسی فرزند شان معلومات داده میشود و توجه اولیای شاگردان را به چگونگی وضعیت درسی شاگرد جلب می نمایند . ضرور است معلمین همه ی مضامین ، بطور انفرادی با اولیای شاگردان در مورد استعداد و رفتار شاگردان معلومات و توجه شانرا نسبت به مشکلات درسی شان جلب نمایند .

۷ - ایجاد صنف مسلکی مخصوص در صورت امکان برای هر مضمون ، روحیه و احساس مسئولیت معلمین و شاگردان را ارتقا می بخشد بطوریکه معلم هر مضمون ، صنف را مطابق محتویات اساسی آن با عمومی ترین موضوعات آراسته و آماده میسازد و این صنف در حقیقت دفتر کاری همان معلم میشود . بطور مثال : در صنف زبان و ادبیات تمثال شعرا و نویسندگان با بیوگرافی شان توأم با دیگر مسائل ادبی ، در صنف جغرافیه نقشه های گوناگون دنیا و... در صنف کیمیا جدول مندلیف و فورمولهای کیمیاوی ... و غیره صنف ها نیز همچنان ... ، شاگردان در ساعت درسی همان مضمون به صنف مربوطه نزد معلم رفته درس میگذرانند .

۸ - تشکیل برنامه درس های علاوگی و تقویتی از جانب اداره مکاتب برای آموزش بهتر شاگردان قابل کمک و آماده نمودن شان برای امتحانات صنفی و کانکور در جهت رفع مشکلات درسی و علمی شاگردان گامی موثر و مفید برای بهبود و ارتقای توانائی های درسی میباشد . برای معلمینی که انجام این آموزش را در ختم ساعات درسی به عهده میگیرند پرداختن معاش امتیازی امر لازمی میباشد . همچنان معلمین تشویق شوند تا در محلات زیست شان جهت آموزش مستمر شاگردان قابل کمک و علاقه مند ، کورس های اختصاصی مسلکی را بطور شخصی تأسیس نمایند . بهتر خواهد بود هرگاه ادارات مکاتب همه ساله نمونه

پارچه های امتحانات کانکور مؤسسات تحصیلات عالی را در آغاز سال تعلیمی تهیه و کاپی نموده با قیمت تمام شد بدسترس شاگردان داوطلب قرار دهند . و بدینصورت زمینه های بهتر شرایط فراگیری دروس غرض آمادگی بهتر شاگردان برای اشتراک فعال در امتحانات صنفی و کانکور با آمادگی به موقع پیشواز گرفته میشود و در میان شاگردان و مردم محلات چنان فضائی شور انگیزی ایجاد شود که همه انتظار آمد آمد کانکور را کشیده با آمادگی کامل آنرا استقبال و شب و روز دعا گوی پیروزی فرزندان شان در امتحان کانکور باشند . و انشاءالله زحمات شان به هدر نرفته دعای شان مستجاب و ما شاهد پیروزی و سربلندی جوانان (دختر و پسر) و شگوفائی ولایت و کشور مان ار فیض علم و تخصص شان خواهیم بود .

۹- تشکیل کمیته حمایت از معارف به هدف تحلیل و ارزیابی پیگیررشد و انکشاف کمی و کیفی معارف از بهترین ابتکارات ارزنده است که ریاست محترم تعلیم و تربیه بدخشان نموده است بی ثمر نخواهد بود هر گاه این چنین کمیته ها در سطح تمام ریاست ها و مدیریت های مستقل تعلیم و تربیه واحد های اداری ولایت ایجاد شوند . برای این کمیته ها لازم است تا مجالس ماهوار را با اشتراک مفتشین و استادان با تجربه مکاتب دایر نموده تصامیم و مشوره های شان را به ریاست ها و مدیریت های تعلیم و تربیه و ریاست عمومی تعلیم و تربیه ولایت ارائه بدارند . بسیار مفید خواهد بود هرگاه مسئولین رهبری تعلیم و تربیه به مشوره های سودمند این کمیته ها عمل نمایند .

۱۰- در شرایط موجود برای حفظ مصئونیت جان و آبروی همه ی کارمندان معارف ، بهتر است تا ریاست محترم تعلیم و تربیه تمام مشکلات ناشی از تأثیرات و مداخلات زیانبار اشخاص زورمند و فرصت طلب و یا عواملی که سبب تحدید و مانع تطبیق برنامه های درسی و فیصله های ریاست تعلیم و تربیه میگرددند به مجلس اداری ولایت پیشنهاد و برای جلو گیری اینگونه مسائل از ادراک انتظامی و قضائی طلب کمک قانونی نماید .

۱۱- در خصوص انتخاب و تقرر اشخاص رهبری کننده معارف که بیگمان مقامات محترم توجه مسئولانه خود را دارند منحیث نظر پیشنهادی هرگاه ریاست محترم تعلیم و تربیه ولایت در انتخاب رئیسان و مدیران مستقل مکاتب از مشوره ها و پیشنهادات کمیته حمایت از معارف هر منطقه که از کادر های منطقه شناخت بهتر دارند حد اعظم استفاده نمایند ، مؤثریت بیشتر حاصل شده میتواند . ضمناً با اطمینان گفته میتوانیم که آرزوی همه ی مردم و انتخاب کننده گان در تقرر کادر رهبری معارف ، بیشترین دقت به اوصاف نذیر : دانش ، تجربه ، تقوا ، معارف

پروری ، داشتن جهانبینی علمی ، دلسوزی ، دوری از هرگونه تعصبات ناروای سیاسی ، مذهبی و قومی است که معیار های مناسب انتخاب در گزیش وظایف مهم اجتماعی میباشد . در صورت داشتن دستاورد های ثمر بخش کاری لازم است از تغیر و تبدیل زود هنگام و بی مورد شخصیت های مستعد و صادق جلو گیری شود

۱۲- دادن معاشات امتیازی و منطوقوی و تهیه مسکن مناسب در قراء و قصبات برای معلمین مخصوصاً طبقه اناث که نمیتوانند بدون محارم شان در خارج از محل زیست اشتغال وظیفه نمایند ، یکی از پروبلم های مهم معارف در قراء و قصبات دور دست میباشد . هر گاه چنین زمیه ها مساعد نشود بر شمار بیکاران مخصوصاً معلمه های فارغ شده از مؤسسات تعلیم و تربیه روز تا روز افزایش به عمل آمده سر انجام باعث دلسردی طبقه اناث شده از شمولیت در مؤسست تعلیم و تربیه ابا خواهند ورزید که بدون شک این پیش آمد برای جامعه ما نامناسب و زیانبار خواهد بود . قرار معلوم در بسیاری از قریه جات مسافر خانه نبوده اکثر معلمین مسلکی مسافر در قوشخانه های مساجد (مهمان خانه) قراء و قصبات زندگی مینمایند . زندگی در مهمانخانه های مساجد در حالی که به ده ها آدم قریه و مسافرین دیگر نیز به آن رفت و آمد دارند هیچگونه مجالی را به خلوت زندگی ، فکر آرام و آماده شدن برای درس فردا و حفظ لازم پاکیزگی به معلمین مسافر نمیدهد . علاوه بران معلمین بیچاره در چنین شرایط زیر بار احسان ملای مسجد ، خان و زور مندان محل قرار گرفته روحیه لازم مقاومت در برابر فضای مسلط عنعنات عقب مانده محیطی را از دست داده مجبور میشوند تا به آنچه شرایط حاکم در محیط است تن در دهند . و بدینصورت مکاتب و برنامه های آموزشی معارف روز تا روز به بن بست مواجه میشود . لذا این مسئله ، مشکل بسیار پیچیده و اسفبار بوده لازم است مقامات تعلیم و تربیه برای ایجاد زمینه های بود و باش مناسب برای معلمین و معلمه های مسافر در قراء و قصبات با اعمار منازل رهایشی در کنار مکاتب به کمک اهالی راه حلی را پیدا نمایند .

۱۳ - حواله و اجرای معاشات معلمین ولسوالی های سرحدی ولایت بدخشان از جمله مشکلاتیست که در طول تاریخ معارف این ولایت پیوسته همچون معضله غیر قابل علاج ساخته شده است ، معلمین معاشات شانرا بعد از هر ششماه و گاهی اضافه تر ازان بدست می آورند . ماها انتظارو نا امیددی از یکسو و تلاش مظلومانه و رقت آور معتمدین معارف این مناطق به شیوه ایکه این معاش گویا از جانب اجرا کننده گان شعبات مرکزی معارف ، شعبه کنترول مستوفیت تا بانک مربوطه به

معلمین خیرات داده میشود و همه ی دست اندر کاران اجرای این پروسه ، خود را به آن شریک دانسته بدون اخذ رشوه در اجرا و حواله آن کارشکنی میکنند . در حالیکه سایر کارمندان و مامورین دولتی و مؤسسات غیر دولتی درین ولسوالی ها به این مشکل دچار نمیباشند . مناسب خواهد بود با جستجوی وسیله های لازمی ، مطمئن و قانونی منجمله از طریق عقد تفاهمنامه همکاری با نمایندگی های بانک آغاخان (بانک قرضه های کوچک) که در ولسوالی های سرحدی فالیت دارند به این جریان شرم آور نقطه پایان داده شود .

۱۴ - خوشبختانه در ولایت بدخشان سه باب مؤسسه تربیه معلم فعال بوده و هر کدام سالانه اضافه از ۱۲۰ نفر معلمین که نیمی از آنها را معلمه های جوان تشکیل میدهند بصورت مجموعی در حدود ۳۵۰ نفر معلم و معلمه در سطح ولایت به اضافه فارغین بدخشانی در مؤسسات تعلیم و تربیه سراسر افغانستان به جامعه تقدیم میشوند . هر گاه در استخدام این معلمین و معلمه ها با ایجاد شرایط مناسب کاری که هم اکنون به ده ها نفر ازین فارغین در سراسر ولایت مخصوصاً در ولسوالی شغنان بیکارند ، اقدامات لازم صورت گیرد مشکل کمبود استادان مسلکی در مدت کوتاه مرفوع میشود .

۱۵ - تغیر و تبدیل بیمورد و بیموقع معلمین مخصوصاً معلمین مسلکی فضا و شرایط تدریس را در مکاتب درهم و برهم میسازد . به نظر میرسد هر قدر به معلمین مسلکی و مستعد فرصت های بهتر و ممتد داده شود فضای آموزش مکتب با شخصیت معلم هماهنگ شده مضمون درسی روال تدریس و تأثیرپذیری خود را برافکار و روان شاگردان بهتر و بیشتر می یابد و نام معلم نام مضمون درسی میشود . در شرایط موجود جامعه ما قبل براینکه به مسئولیت های کاری معلمی فکر شود از روی مجبوری برای بدست آوردن شغل معلمی همچون کار با معاش تلاش صورت میگیرد . البته این حق مسلم هر انسان است . ولی همه میخواهند این کار را در نزدیک خانه خود داشته باشند . و طبیعتاً مناطقی مانند شغنان که از برکت دارالمعلمین و متأسفانه عدم پیروزی فارغین دوره بکلوریا در مؤسسات تحصیلات عالی کشور به ادامه تحصیل در دارالمعلمین روی می آورند ، هم اکنون به ده ها نفر از معلمین مسلکی بیکار به نسبت تکمیل نصاب معلمین در مکاتب شغنان جذب شده نتوانسته ده ها معلم داوطلب یک پست معلمی میشوند و درین کشاکش ، وقت درسی تعدادی از معلمین در رفت و آمد و آوردن مکاتب تقرری پیهم با هر وسیله ی به شمول رشوه یکی به جای دیگر سپری شده در حقیقت سبب ضیاع وقت معلمین شده و شاگردان مکاتب نیز درس ناخوانده سال

تعلیمی را به پایان میرسانند که این وضع شایسته نام و منزلت پر افتخار معارف نبوده به جریان تعلیم و تربیه فوق العاده ضرر میرساند . باید گفت که در خصوص جا به جایی و تغیر و تبدیل معلمین توجه به این کته گوری ها ضروری میباشد .

۱ - واضح است که تنها معاش معلمی کفایت زندگی یک خانواده را کرده نمی تواند، در شهرها معلمینی اند که به تنهایی متکفل اعاشه و اباطه یک فامیل بزرگ بوده در پهلوی شغل معلمی ناگذیر اند کسب و کار ضمنی داشته باشند و در دهات نیز اینگونه معلمین با امورات دهقانی و مالداري و باغداری شان بعد از فراغت مکتب مصروف میشوند . این کته گوری از معلمین به نسبت مشکل بیکی خود را مستحق تبدیلی نمیدانند .

۲ - معلمین سابقه دار و مسن نیز که زحمت خدمت در اطراف را زیاد دیده اند حوصله رفتن به مناطق دور از خانه را در خود ندیده خود را مستحق تبدیلی نمیدانند .

۳ - برای معلمه های جوان و بیکاری که روز تا روز به تعداد شان نیز افزوده میشود کار کردن در خارج از حوزه دید محارم شان مخصوصاً در شرایط موجود دشوار میباشد .

۴ - معلمین مسلکی که تبدیلی بلا عوض شان سبب فلج شدن مکتب میشود .

حالا چه باید کرد . مسئولین شعبات کادر و پرسونل (شعبات استخدام) مشکلات خود را دارند و معلمین مشکلات خود را که در واقعیت امر هر دو طرف معامله دلیل معقول خود را دارند و میتوان آنها را یک معادله ی متعادل دانست . پیشنهادات ما درین زمینه که هرگز آنها را راه حل قطعی حساب نمی کنیم با احترام به نظریات اهل کار به امید اینکه کمکی در حل این معضله نماید بطور ذیل پیشکش میشود :

● باید گفت که موضوع تقرر ، تغیر و تبدیل معلمین به نسبت داشتن پرسونل زیاد یکی از معضلات بسیار عمده مقامات رهبری و اداری مؤسسات تعلیم و تربیه است که مسئولین دست اول و کاری معارف را به خود مشغول و اوقات مهم کاری و تصمیم گیری های ضروری شانرا مختل میسازد . مناسب خواهد بود تا با ایجاد مقرره ی در مشوره با کمیته حمایت از معارف توأم با آراء نظریات معلمین تهیه و مطابق به آن مشکلات همه کته گوری های معلمین را در نظر گرفته مدت معین دوره خدمت ثابت هر معلم را در حالت دوام خدمت عادی بطور مثال حد اقل سه سال تعیین و نباید پیشتر از آن تبدیلی صورت گیرد . واضح است که تغیر و تبدیل معلمین در جریان

سال تعلیمی پروگرام تعلیمی را اخلال و متضرر میسازد لذا به استثنای استخدام معلمین جدید بهتر خواهد بود تا موضوع تغییری و تبدیلی معلمین حد اقل یکماه قبل از آغاز سال تعلیمی به اطلاع شان رسانیده شود . معلمینی که آرزوی انجالم وظیفه معلمی در منطقه مورد نظرشان داشته پیوسته به آن پا فشاری دارند بعد از ادای خدمت سه سال بیرون از منطقه خود ، با یکی از معلمین هم مسلکش به محل مورد نظر تبادل جای نمایند . معقول تر خواهد بود تا بررسی همه ی امورات تغیر و تبدیل و مقرری ها به عهده کمیسیونهای مخصوص این مسئله در سطح ریاست عمومی و ریاست ها و مدیریت های مستقل نواحی و ولسوالی های ولایت با تشکیل حد اکثر نصاب پنج نفری گذاشته شود تا برای رهبری معارف شرایط بهتر توجه به امورات ضروری و لازمی انجام کارهای اساسی فراهم شده و مشکل ادارات از لحاظ مزاحمت های رفت و آمد پرسونل تقلیل و زمینه های استفاده جوئی های نامشروع گرفته شود .

- باید گفت که موضوع ارتقای سطح کیفیت تحصیلی دانش آموزان و پیشرفت نظام آموزشی به یکی از مهم ترین مباحث اجتماعی ایست که نباید در برابر آن بی تفاوت بود ، در حال حاضر همه مسوولان نظام آموزشی ، دانش آموزان و مردم معارف پرور ما با این معضل دست به گریبانند . بر همه ی محققین و پژوهشگران و اهل تجربه در امور تعلیمی و تربیوی ، جامعه شناسان و روانشناسان لازم است تا روی این موضوع نظریات خود را ارائه نموده در شناخت مسئله و طرق راه های حل بنیادی آن که نیاز مبرم جامعه ما در شرایط کنونی است راهکار های عملی را پیشکش نمایند .

امید وارم آنچه موضوعات و مسائلی که در مورد این موضوع فوق العاده مهم به حیات اجتماعی به بحث گرفته شد ، در حرکت پیشرونده ی رشد و تکامل معارف کشور ما که صدیق ترین فرزندان این مرز و بوم با فداکاری و تحمل رنج های فراوان آنرا به پیش میبرند ، ذره سهمی ادا توانسته باشد . برای این قهرمانان وطن و سپاهیان با اخلاص معارف تهنیت و شاد باش گفته سلامتی و پیروزی های بینظیر شانرا با خوشنودی مردم این سرزمین از پروردگار عالم و تمنا دارم . و من الله التوفیق

معارف عالم افروز و معلم پرتو افشانش
الهی تا جهان باقیست باقی باد دوراننش
اگر از عقل کل یاری رسد مر عقل جزوی را
بود از سطح آب و خاک تا افلاک میدانش
کمال عقل این است و نشان قوه علمی
برون از مرکز عالم بود آهنگ طیرانش
فرا تر از فضا خواهد مقام پایگاه خود
به اوج کره مریخ باشد عزم جولانش...
سید زمان الدین عدیم شغنانی (۱)

نورعلی دوست
مونتریال کانادا

۲۰۱۲ / ۰۶ / ۲۶

(۱) - اشک حسرت ص ۲۱۲ راول پندی پاکستان ۱۳۸۰